

سی وهفتمین کرسی ترویجی مجمع عالی علوم انسانی اسلامی با همکاری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، در دفتر تهران پژوهشگاه حوزه و دانشگاه برگزار شد.

در این نشست علمی، سیدمحمدتقی موحدباطیعی (عضو هیات علمی پژوهشکده تاریخ و فلسفه علم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) به ارائه دیدگاه خود در زمینه «نقد درون گفتمانی و روش شناختی جریان علوم انسانی قرآن بنیان» پرداختند و سیدمحمدهادی گرامی (استادیار پژوهشکده مطالعات قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و سیدکریم خوب‌بین‌خوش‌نظر (استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم و معاون پژوهشی این دانشگاه) دیدگاه مطرح شده را نقد کردند. دبیر علمی این نشست نیز فاطمه طاهرخانی (استادیار پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) بودند.

نخست موحدباطیعی به عنوان مقدمه به تاریخچه دست‌کم ۵۰ ساله شکل‌گیری جریان علم دینی به معنای علم و علوم انسانی اسلامی به‌معنای خاصی اشاره کرده و طبقه‌بندی‌های دیدگاه‌های مطرح‌شده در این زمینه را بیان داشت، سپس به تاریخچه شکل‌گیری جریان نوپاتر علوم انسانی قرآن بنیان پرداخت و اقداماتی را که در چندسال اخیر در این زمینه انجام شده، ازجمله برگزاری همایش‌های علمی، تشکیل گروه‌های پژوهشی و آموزشی، انتشار کتاب‌ها و مقالات و… را نام برد. سپس سه پرسش پژوهش خود را مطرح ساخت: ۱. به لحاظ مفهومی آیا جریان علوم انسانی قرآن بنیان تمایزی با جریان عام‌تر علوم انسانی اسلامی دارد؟

۲. آیا انگیزه‌های علمی مناسبی زمینه‌ساز شکل‌گیری جریان علوم انسانی قرآن بنیان، ذیل جریان عام‌تر علوم انسانی اسلامی وجود داشته است؟

۳. آیا جریان علوم انسانی قرآن بنیان، توانسته به چالش‌های روش‌شناختی پیش روی جریان عام علوم انسانی اسلامی، به‌خصوص رویکرد استنباطی ذیل این جریان پاسخ داده و توانسته است ادبیات این بحث را گامی به جلو ببرد؟»

موحدباطیعی تأکید کرد: «آنچه می‌خواهم به آن بپردازیم نقد درون‌گفتمانی نسبت به جریان علوم انسانی قرآن بنیان از منظر روش‌شناسی است و به این معنا درون گفتمانی نیست، به این معنا که طرفدار علم دینی به معنای عام هستم. من معتقدم می‌توان علم دینی داشت. علوم اسلامی انسانی داشت و طرق مختلفی را هم برای تولید علوم انسانی وجود دارد که در این کتاب ایده علم دینی من به تفسیر آمده است. یکی از این طرق دستیابی به علوم انسانی اسلامی، روش استنباطی است، یعنی به دل مراجعه کرده و از دل آنها فرضیاتی را در حوزه علوم انسانی و شاخه‌های مختلف آن استخراج کنیم یا مبانی را از دل علوم انسانی استخراج کنیم و مبتنی بر آن مبانی، علوم انسانی و انسانی پایه‌گذاری کرد که رویکرد مبتناگرایانه شود، همین که زیست فرد یک زیست دیندارانه و قرآن مدار شد و سرپرستی زندگی در ابعاد مختلف به دین و آموزه‌های دینی و قرآنی سپرده شد، خواسته یا ناخواسته و آگاهانه یا ناخودآگاه این زیست دینی در علم‌ورزی فرد تأثیر می‌گذارد و آرام‌آرام این محصولات وضعیت علم‌ورزی را به سمت دین هدایت می‌کند. این جریان علم دینی، جریان کم‌سابقه‌ای نیست و دست‌کم اگر نقطه عطف علم دینی و علوم انسانی را کنفرانس مکه اعلام کنیم و با توجه به اینکه قبل از آن نیز حرکت‌هایی با عنوان اصلاح علم و نظام آموزشی و بحث‌های علوم انسانی مطرح بوده، باید گفت بعد از این کنفرانس مراکز متعدد آموزشی و پژوهشی در عرصه بین‌المللی پاکستان، مالزی، اندونزی و بعد از انقلاب نیز در ایران شکل گرفت که همه آنها ذیل جریان عامی با عنوان علوم انسانی اسلامی یا علم دینی به معنای عام‌تر آن بود. نکته این است در سال‌های اخیر، جریان‌هایی پدید

آمده با عنوانی مانند مرجعیت قرآن و علوم انسانی قرآن بنیان که من از جهت نهادی با شکل‌گیری آنها مساله داشته‌ام و برابم پرسش بوده که اگر ادبیات فلسفه علم لا‌کاتوشی را مطرح کنیم و تفاوت قائل شویم بین اینکه برنامه‌های علمی پژوهشی متعددی وجود دارد که هرکدام از آنها یک هسته سخت دارند و متناسب با آن هسته سخت می‌توانند برنامه پژوهشی را پیش ببرند، پس آیا ما با تشکیل جریان‌هایی تحت عنوان علوم انسانی تحت مرجعیت قرآن، این برنامه پژوهشی عام با عنوان علم دینی اسلامی انسانی را پیش ببریم یا خیر؟ من یک طبقه‌بندی تفسیری از رویکردهایی را که در علم دینی وجود دارد در مقاله‌ای مطرح کرده‌ام، اعتقاد من این است که بحث علمی تا هر جایی پیش رود، درنهایت در جایی به بحث رویکرد استنباطی باز خواهد گشت، چرا؟ فرد اگر بخواهد زیست دیندارانه داشته باشد و اگر دوگانه دیدگاهی‌ت ظاهری و باطنی را در نظر داشته باشیم که عقل به عنوان حجت درونی و رسول با عنوان حجت باطنی قلمداد می‌شوند، می‌بینیم عقل تا جایی مسیر خودش را رفته و مثلاً در غرب قرن هجدهم سعی کرده از دین فاصله بگیرد و این مسیر علم‌ورزی صرفاً عقلانی، منتهی به علومی شده است که ما می‌خواهیم حال بر این علوم تأثیر بگذاریم، طریق تأثیر ما علی‌القاعده این است که سرآغ آن حجت ظاهری برویم که در گام اول همان قرآن کریم است. پس رویکردهایی که در بحث علم دینی وجود دارد باید درنهایت خودشان را به قرآن و سپس اهل بیت(ع) برسانند و مسیر را ادامه دهند. این رویکردهایی را دربرمی‌گیرد که می‌خواهند علم را از طریق تحول فرد یا تحول ساختار و با استخراج مبنا و فرضیه حتی باواسطه متحول کنند، یعنی اگر کسی قائل باشد فلسفه‌ای که در غرب و یونان باستان وجود داشته و وارد جهان شده و تحت‌تأثیر آموزه‌های دینی قرار گرفته و به تعبیر آیت‌الله جوادی‌آملی حکمت متعالیه امروز جامع برهان، قرآن و عرفان است، مبتنی بر آنها مبانی علوم انسانی را استخراج کرد، علمی را که براساس این مبنا استوار شد می‌توان علم اسلامی قلمداد کرد و تمام این رویکردهایی که مطرح کردم هرکدام به شیوه‌ای به رویکرد استنباطی برمی‌گردد.

نقد من ناظر به جریان علوم انسانی قرآن بنیان است که در سال‌های اخیر مراکزى این موضوع را دنبال می‌کنند، دانشگاه‌هایی مثل علامه طباطبایی، همایش‌هایی را با عنوان علوم انسانی قرآن بنیان برگزار می‌کنند. سال گذشته دانشگاه علوم معارف و قرآن همایش روش‌شناسی علوم انسانی قرآن بنیان را داشت. در جامعه‌المصطفی نیز مجتمع عالی قرآن و حدیث هست که ۱۱ رشته علمی در آن فعالیت می‌کنند و سعی دارند از معارف روایی و قرآنی مبانی را استخراج کنند. در این راستا کتاب‌هایی نوشته و نشریاتی منتشر شده و جریانی شده‌اند. پرسش من این است که آیا این جریان توانسته یک کارویژه مخصوص را برای خودش تعریف کند؟ این جریان تمام فعالیتی را که طی سه دهه پیش شروع کرده رصد و مشکلات را شناسایی کرده و اعتقادش بر این است که با شکل دهی به جریان علوم انسانی قرآنی می‌تواند گرهی را در حوزه علم دینی یا علوم انسانی اسلامی بگشاید و راه جدیدی باز کند و کل این جریان را پیش ببرد؟ پاسخ من به این پرسش منفی است. در مقاله‌ای که ارائه کردم، به چند دلیل اشاره کردم، ادله‌ای که دوستان در آثارشان آورده‌اند نمی‌تواند برای تأسیس این جریان مکفی باشد. اولین دلیل این است که جریان علم دینی یا علوم انسانی اسلامی به معنای کلی است، به قدری این جریان توسعه پیدا کرده و گسترده شده است که می‌خواهیم خالص سازی انجام دهیم، مثلاً ما صد یا هزار نظریه در حوزه روانشناسی اسلامی داریم که می‌خواهیم آنها را تلخیص کنیم تا بهترین آنها را پیدا کنیم و آنها را به محک قرآن گذاریم تا ببینیم کدام یک از آنها تعارض کمتری دارند. وقتی در حوزه علوم اسلامی انسانی به معنای عام داستان به کثرت نظریه رسیدیم، این خودش خیلی معنا ندارد. ما در موقعیتی هستیم که باید از تمام ظرفیت‌های موجود و میراث هزار و

چندساله تمدن اسلامی استفاده کنیم برای رقابت با جریان غالب در حوزه علم موجود تا بتوانیم سری در سرها پیدا کنیم. گاهی ادعای ما این است که ظرفیت‌های ناشناخته در علوم قرآنی را می‌خواهیم استخراج کنیم؛ این خیلی خوب است، ولی در ۴۰ سال گذشته در مراکز حوزه و دانشگاه این کار انجام می‌شد و به‌دنبال استفاده از آیات و روایات در حوزه روانشناسی طی این ۴۰ سال بوده‌اند. این علوم انسانی قرآن بنیان قرار است چه اقدام جدیدی را رقم بزند. ممکن است ادعا شود در جهان اسلام که شیعه و سنی است درهرحال نظریات زیادی تولید شده باشد و اکنون می‌خواهیم با هم گفت‌وگو کنیم که کدام یک بهتر است. این اعتقاد به قرآن را وجه مشترک خود قرار می‌دهیم تا وارد گفت‌وگو شویم، اما در علوم انسانی اسلامی آن اندازه نظریه در جهان سنت و شیعه در این رابطه تولید نشده ما بتوانیم وارد گفت‌وگو شویم. همچنین ما حتی می‌بینیم در نشریات کشورهای غیراسلامی هم مقالاتی با رویکرد علوم انسانی اسلامی چاپ شود، یعنی حتی آن کشوری که اصل اسلام را قبول ندارد اگر ضوابط علمی یک نظر در ارائه خود آن را ازبایی و در نشریه اش منتشر می‌کند. دیدگاه‌های دکتر نهرانی در دایره‌المعارف روان‌درمانی… مثلاً چاپ شده است و چندین سال پیش هم ترجمه شد. اخیراً نیز مقاله‌ای از یک استاد از مجموعه زیرنظر استاد اخوت استخراج و در مجله‌ای آمریکایی منتشر شده است. این کارها دارد انجام می‌شود اما مساله این است که جریان علوم انسانی قرآن بنیان چه چیزی را علاوه بر این سازمان ارائه می‌کند؟ پرسش‌های من روش‌شناختی است، یعنی باید ببینیم آیا جریان علوم انسانی قرآن بنیان به پرسش‌هایی که در طول ۴۰ سال گذشته به رویکرد استنباطی مطرح شده پاسخ داده است یا خیر؟ این رویکرد استنباطی چندگونه دارد؛ یکی استنباط مبانی و خود فرضیه‌ها از قرآن است. چند پرسش روش‌شناسانه که طی این ۴۰ ساله مطرح شده و مثلاًاستاد ملکیان در جریان سخنرانی خود در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در دهه ۴۰ها آن مطرح کردند هنوز پاسخ داده نشده‌اند.

نقد من ناظر به جریان علوم انسانی قرآن بنیانی است که وجود دارد. آیا این جریان به پرسش‌هایی که در طول ۳۵ سال گذشته مشکلات را رصد کرده است و می‌تواند گرهی را در حوزه علوم انسانی اسلامی باز کند؟ پاسخ من خیر است.»

گرامی به عنوان اولین ناقد این کرسی ضمن اشاره به ضرورت نقد درون‌گفتمانی علم دینی و علوم انسانی اسلامی و علوم انسانی قرآن بنیان با توجه به مقاله‌ای که مبنای ارائه کرسی ترویجی بود به چند نکته اشاره کرد:

۱. در متن مقاله اضطرابی بین نقد درون‌گفتمانی و نقد همدلانه، بیان ابهامات یا بیان نقدها و همچنین باور یا عدم باور نویسنده به علوم انسانی اسلامی به چشم می‌آید، برای مثال برخی پرسش‌های نویسنده از جریان علوم انسانی قرآن بنیان، اشاره به ابهامی است که در ارتباط با این جریان وجود دارد، نه ضرورتاً نقد این جریان یا در جایی دیگر هدف مقاله ایضاح دیدگاه جریان علوم انسانی قرآن بنیان و تقویت آن مطرح شده که بیشتر به یک نقد همدلانه شبیه است. اگر نویسنده محترم معتقدند توجیحی بر شکل‌گیری جریان علوم انسانی قرآن بنیان وجود ندارد، چرا توصیه‌هایی را برای تقویت این جریان مطرح می‌سازند؟

۲. مساله تحقیق به‌دقت روشن نشده و اضطرابی بین دو مساله یادشده در این مقاله وجود دارد. مضاف بر اینکه نویسنده محترم باید به استناد اقوال طرفداران و فعالان علوم انسانی قرآن بنیان نشان می‌دادند خود آنها چه تعریفی از کار خود ارائه کرده‌اند؟ انگیزه آنها از طرح جریان علوم انسانی قرآن بنیان چه بوده است؟ چه تمایزی بین دیدگاه خود و دیگر دیدگاه‌های مطرح در جریان علوم انسانی قرآن بنیان قائل هستند؟ و… سپس نقدهای خودشان را ناظر به اقوال مشخص آنها بیان می‌داشتند. خوب بین خوش‌نظر به عنوان دیگر ناقد کرسی ترویجی برگزار شده نیز

علوم انسانی قرآن بنیان و گره‌گشایی از وضع فعلی

نکاتی را در ارتباط با مقاله پشتیبان کرسی برگزار شده بیان داشت: ۱. لازم بود در مقاله تمایز مفهومی علم دینی، علوم انسانی اسلامی و علوم انسانی قرآن بنیان بیان می‌شد.

۲. اشاره به برخی نقدها از زبان دکتر سروش، استاد ملکیان و… نشان می‌دهد نقدهای مطرح‌شده به جریان علوم انسانی قرآن بنیان نقدهای درون‌گفتمانی نیست، بلکه برون‌گفتمانی است، یعنی نقد از زبان کسی است که اعتقادی به علم دینی یا علوم انسانی اسلامی ندارد.

۳. برای خالص سازی (البته عنوان بهتر تعین بخشی) نظریه‌های مطرح‌شده در زمینه علوم انسانی اسلامی، لازم نیست حتماً انبوهی از این نظریه‌ها داشته باشیم. همین که چند نظریه در این حوزه مطرح شده باشد که در ارتباط با روانشناسی اسلامی خود مدعی هستند کارهای بسیاری انجام شده، کافی است برای اینکه با مراجعه به قرآن هماهنگ‌ترین نظریه‌های موجود یا کم‌تعارض‌ترین آنها با معارف قرآنی را شناسایی و به این طریق جریان علوم انسانی قرآن بنیان را موجه قلمداد کنیم.

۴. برخی اشکالات که به استخراج مبانی از معارف قرآنی در متن مطرح‌شده در بحث‌های کلامی پاسخ داده شده، برای مثال به‌عنوان یک اشکال که به جریان علوم انسانی اسلامی یا علوم انسانی قرآن بنیان بیان شده که آیا نمی‌توان گفت برخی آموزه‌های اسلامی (ازجمله باز بودن دست خداوند در عالم) می‌تواند مانعی در راه توسعه علم باشد؟ در پاسخ به این اشکال به استناد مباحث مطرح‌شده در کلام اسلامی می‌توان گفت آیا پذیرش آموزه توحید افعالی، مانعی بر سر راه عامیلت انسان در جهان بوده است؟ آیا آیه شریفه «و ما رمیت از رمیت و لکن الله رمی» مانعی بر سر راه پیامبر اسلام(ص) برای برنامه‌ریزی و اجزا و نظارت در فعالیت جهادی بوده است؟

۵. نویسنده محترم معتقد است شواهد تجربی هیچ گاه نمی‌توانند نظریه‌های علمی را متعین کنند و در بخش بعدی می‌گوید متن قرآن نمی‌تواند توسط انسان غیر معصوم تفسیر متعدد را متعین کند و این اشکالی به اعتبار و اسلامیت نظریه‌های مستخرج از متون دینی وارد نمی‌کند. همین ادعای همخوانی برخی نظریات علمی با شواهد تجربی در فلسفه علم و نه تعین صد درصدی آنها، درواقع حکم به تعین نسبی آن نظریات علمی است و همین مقدار برای پذیرش پایه‌ای از نظریات علمی و ترجیح برخی بر برخی دیگر، ولو به صورت موقتی و زمانمند کفایت می‌کند. همین ادعا را می‌توان در مورد اعتبار برداشته‌های مختلف از متن قرآن مطرح کرد و گفت همخوانی بیشتر تفسیر برخی مفسران غیرمعصوم با محتوای قرآن، می‌تواند دست‌کم موجب تعین و اعتبار فی‌الجمله آنها شود و مراد و مقصود آیات را روشن سازد.»

موحدباطیعی در پایان بر این نکته تأکید کرد نقدهای وی ناظر به جریان علوم انسانی قرآن بنیان، به‌مثابه یک واقعیت بیرونی و اجتماعی بوده، برای مثال هرچند معقول است که در میان دو نظریه اسلامی این سوال مطرح شود که کدام اسلامی تر است (ناظر به نقد دکتر خوب‌بین‌خوش‌نظر)، اما در موقعیتی که جریان علوم انسانی سکولار فضای علمی دانشگاهی ما را فراگرفته است، فرصت مناسبی برای طرح چنین پرسشی نیست. در این مقطع باید کوشید تا می‌توان به پرسش‌های علمی از منظر اسلامی با بهره‌گیری از تمام تراث اسلامی (آرای فلاسفه و متکلمان و عرفا و مفسران و…) استفاده کرد و محدود کردن حوزه الهام‌گیری به قرآن احتمال دستیابی به فرضیه‌های صائب را محدود می‌کند. وی تأکید کرد هدف او از بیان پرسش‌های انتقادی در این مقاله آن بود که جریان علوم انسانی قرآن بنیان با پاسخ دادن به آنها نشان دهد می‌تواند ادبیات دست‌کم ۴۰ تا ۵۰ساله‌ای را که پیرامون ایده علوم انسانی اسلامی مطرح شده است گامی به پیش ببرد و نوآوری‌های خود را در این عرصه به‌وضوح نشان دهد.

فرهیختگان

سازمان آگهی های روزنامه

تلفن و فکس:

۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)

ایمیل: **۰۱۸@۴۸۰۶۶۴@gmail.com**

WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGANDAILY

کانون تبلیغاتی

سیهر جوان

۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹

مجری انحصاری

تبلیغات محصلی

دانشگاه آزاد اسلامی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر ری شماره ۱۴۰۲/۱۵۲۹۵ مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۲۶ مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۲۶ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی به نام آقای علی نصیری خلیلی فرزند محمدنسبت به شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۳۹۶ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۲۷۹ فرعی ۴۹-۱ اصلی به شماره کلاسه ۱۰۲/۱۰۲/۱۲۰۷ واقع در اراضی خلیل شهربخش ۱۷ ثبت بهشهر مستند مالکیت خریداری شده مع الواسطه از مالک عمومی بچی خندان خلیلی برگه استنادهای ارائه شده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوب به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع تقدیمی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۷/۲۸

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۷/۲۸

میم الف: ۱۶۶۱۱۴

محمد حسن صادقی - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بهشهر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر ری شماره ۱۴۰۲/۱۳۳۳۳ مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۲۷ مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۲۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی به نام آقای احمد پروینا فرزند زین‌العابدین نسبت شش‌دانگ اعیان و ۳۳-۱ سبیز از عرصه یک قطعه زمین به مساحت ۳۳۶/۸ مترمربع قسمتی از پلاک ۴۴-۱ اصلی به شماره کلاسه ۱۴۰۰/۲۲ واقع در اراضی علی‌تپه بخش ۱۷ ثبت بهشهر مستند مالکیت خریداری شده مع الواسطه از مالک غیررسمی عباس یعقوبی برگه استنادهای ارائه شده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوب به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۷/۲۸ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۷/۲۸

میم الف: ۱۶۵۳۳۴

محمد حسن صادقی - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بهشهر

صدای نخبگان، نگاه جوانان

WWW.FDN.IR

روزنامه فرهیختگان

farhikhteganonline

FARHIKHTEGAN

اصل گزاهای موقت مدرک تحصیلی اینجانب فرزاد امیری ابوالعباس فرزند فتاحون به شماره شناسنامه ۱۷۴۰۹۸۰۶۴۳ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته حقوق صادره از واحد دانشگاهی آزاد آبادان با شماره ۱۴۷-۱۳۹۳/۷۵-۱ مقفود گردیده است و فاقد اعتباری می‌باشد. از یابنده تقاضای می‌شود اصل مدرک موقت را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبادان به نشانی آبادان-ایستگاه ۱۱-فیه-روبه‌روی بیمارستان طالقانی دانشگاه آزاد آبادان به کد پستی ۰۳۳۱۷۸۳۶۵۳۱ و صندوق پستی ۶۶۶ ارسال نماید.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب اسحاق مهدی پور فرزند خدامراد به شماره شناسنامه ۲۸۲۷ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی ناپوسته رشته مهندسی کشاورزی تولیدات دامی صادره از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی ایذه با شماره ۸۰۰۱۳۴۶۰۸۰-۸۰۱۳۴۶/۷۲-۸۱ مقفود گردیده است و فاقد اعتباری می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شوداصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایذه به نشانی: ایذه – بلوار زاگرس - دانشگاه آزاد اسلامی ایذه ارسال نماید.

فرهیختگان

آرژانه حکمرانی

[نقد و بررسی اندیشه‌ها]

شنبه ۱۷ اسفند ۱۴۰۲

شماره ۴۰۹۲

WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGANDAILY

فرهیختگان

فرهیختگان

فرهیختگان

فرهیختگان

فرهیختگان

فرهیختگان

فرهیختگان

فرهیختگان